

نقش مهندسی مفاهیم اخلاقی در کشف نظام اخلاقی اسلام

سید مهدی مجیدی نظامی^۱

حسین حسن زاده^۲

چکیده:

بسیاری از آثاری که در حوزه اخلاق اسلامی نگاشته شده است ناظر به ارائه نظام اخلاقی نیست؛ برخی درصدد تبیین نظام اخلاقی اسلام برآمده و با همین عنوان آثاری نیز ارائه داده‌اند اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود بیان کلیاتی مرتبط با نظام اخلاقی است و اثری از جزئیات و تفصیلات روابط درونی اضلاع یک نظام که لازمه قطعی آن می‌باشد به چشم نمی‌خورد. گرچه عده‌ای سعی کرده‌اند با بیان مؤلفه‌های نظام اخلاقی اسلام به حل این مشکل بپردازند؛ لیکن نقیصه‌ای که در تبیین نظام اخلاقی اسلام به چشم می‌خورد صرفاً با بیان کلیاتی از قبیل مؤلفه‌ها برطرف نمی‌شود بلکه آن نیازمند کشف همه ابعاد، زوایا و روابط درهم‌تنیده میان آن است. در این مقاله تلاش بر این است با بهره‌گیری از ابزارهای مهندسی محتوا نظیر اصطلاح نامه و هستان‌شناسی، راهکاری منطقی جهت کشف نظام اخلاقی اسلام ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: نظام اخلاقی اسلام، مهندسی مفاهیم اخلاقی، اصطلاح نامه، هستان‌شناسی

مقدمه

اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی در همه حوزه‌ها اعم از معرفتی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... برای سعادت دنیا و آخرت بشر برنامه‌ای جامع و مانع (نظام) را به ارمغان آورده است. پدیده‌ای است این مسئله یعنی ارائه نظام، لازمه قطعی دینی است که ادعای جهان‌شمولی و جاودانگی دارد و در جای خود ثابت شده است که دین اسلام دین خاتم با ویژگی جهان‌شمولی و زمان‌شمولی است.^۳

^۱ هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.

^۲ استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.

^۳ در روایات زیادی وارد شده که قرآن برای همه زمان‌هاست و مختص زمانی دون زمانی نیست و حجت بر هر انسانی است از جمله حدیث امام رضا (ع): «لَأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِرَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ بَلْ جُعِلَ دَلِيلَ الْبُرْهَانِ وَالْحُجَّةَ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ» عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۳۰، ج ۹؛ بحار، ج ۱۷، ص ۲۱۱. نیز ر.ک: حبیبی، ضامن علی؛ (بی تا) جهان‌شمولی اسلام و جهانی سازی عرفی،

<http://www.fasnamekothar.com/papers/Kothar.18/Habibi.htm>

بسیاری از آثاری که در حوزه اخلاق اسلامی نگاشته شده است ناظر به ارائه نظام اخلاقی نیست و تنها به تبیین برخی مفاهیم اخلاقی و دستورالعمل‌ها و مواظب‌بسنده کرده‌اند؛ البته برخی از صاحب‌نظران حوزه اخلاق درصدد تبیین نظام اخلاقی اسلام برآمده و تلاش کرده‌اند به مباحث اخلاق اسلامی به‌عنوان یک نظام اخلاقی بپردازند و برخی نیز با همین عنوان آثاری ارائه داده‌اند اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود بیان کلیاتی مرتبط با نظام اخلاقی است و اثری از جزئیات و تفصیلات روابط درونی اضلاع یک نظام که لازمه قطعی آن می‌باشد به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد تلاش عده‌ای که سعی کرده‌اند با بیان مؤلفه‌های نظام اخلاقی اسلام به حل این مشکل بپردازند گرچه کاری است پسندیده و در جای خود قابل تقدیر، لیکن نقیصه‌ای که در تبیین نظام اخلاقی اسلام به چشم می‌خورد صرفاً با بیان کلیاتی از قبیل مؤلفه‌ها برطرف نمی‌شود بلکه آن نیازمند کشف همه ابعاد، زوایا و روابط درهم‌تنیده میان آن است.

مفاهیم و کلیات

تعریف انسان

درباره حقیقت و ماهیت انسان، در مجموع دو دیدگاه وجود دارد

۱_ دیدگاه مادی گرایانه که معتقد است حقیقت انسان چیزی بیش از همین هیكل محسوس نیست و با تمام صورت‌ها و ویژگی‌هایش از بین خواهد رفت و چیزی از آن بر نمی‌گردد. (تفتازانی، ۱۳۷۰، ۵: ۸۸) قرآن شریف در این باره از قول ملحدان می‌فرماید «و ما هی الا حیاتنا الدنیا»

۲_ دیدگاه غیرمادی که انسان را فراتر از جسم و عنصر مادی می‌داند. صاحبان این دیدگاه خود، چند دسته هستند. برخی حقیقت انسان را همان نفس مجرد می‌دانند و بدن را صرفاً ابزاری برای رسیدن به کمالات می‌دانند و برخی آن را مرکب از نفس مجرد و بدن محسوس دانسته و معتقدند هیچ‌کدام به‌تنهایی مصداق حقیقت او نیستند (فیاض لاهیجی، ۱۳۷۲: ۵۹۹) و برخی (قول منسوب به اکثر متکلمان) معتقدند انسان تشکیل یافته از اجزای اصلی بدن است که از اول تا آخر عمر باقی است و فزونی و کاستی در آن راه ندارد. (فاضل مقداد، ۱۴۰۵ ق: ۳۸۶) و برخی که می‌گویند: انسان به لحاظ مشاعر سه‌گانه‌اش، یعنی حس، خیال و تعقل، به‌طور بالقوه مشتمل بر عوالم سه‌گانه است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰ ه. ش: ۳۲۳). و به همین جهت انسان دارای سه مرتبه طبیعی، برزخی و عقلانی است که قوای جسمانی در انسان طبیعی، سایه‌ها و مظاهر قوای نفسانی در انسان برزخی‌اند و انسان برزخی نیز به همراه قوای نفسانی، سایه‌ها و مظاهر انسان عقلی هستند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱ م، ۹: ۷۰). علاوه بر تعاریفات فوق، تعاریف دیگری نیز برای انسان عرضه شده است که هرکدام ناظر به بخش‌هایی از ابعاد وجودی انسان‌اند. که در اینجا فرصت پرداختن به آن‌ها نیست. به نظر می‌رسد اگر انسان را به‌گونه‌ای تعریف کنیم که بیانگر حقیقت واحدی از وی در همه مراحل وجودی اعم از عالم دنیا و عالم آخرت باشد شایسته‌تر و به صواب نزدیک‌تر است؛ و آن این است که انسان حقیقتی واحد دارای دو شأن فوقانی، علوی، برتر و شأن تحتانی، سفلی و زیرین است که شأن علوی آن در همه مراحل وجود یکسان ولی شأن تحتانی آن در عوالم مختلف، ظهورات و تجلیات گوناگونی دارد.

ماهیت انسان

این نکته را نیز باید اضافه نمود که علاوه بر این که انسان داری حقیقت واحدی است دارای سه خصوصیت وجودی است؛ این سه ضلع عبارت‌اند از: ضلع ادراکی، ضلع صفاتی و ضلع فعالی. زیرا انسان موجودی است که در مقام واقع درک می‌کند، دارای صفات و ملکاتی است و نیز مجموعه‌ای از افعال اعم از افعال جوارحی یا جوانحی از او صادر می‌شود که هرکدام از این اضلاع سه‌گانه در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. خداوند تبارک و تعالی به‌عنوان خالق انسان برای تعالی وی در هر سه ضلع برنامه‌ای

جامع، متوازن و هماهنگ از طریق انبیا ارزانی داشته است؛ بخشی از این برنامه در قالب علوم و معارفی است که هدف آن تعالی بعد ادراکی انسان می‌باشد و بخشی از آن به‌منظور ارتقاء و تکمیل مکارم اخلاق در بعد صفات و ملکات و بخشی نیز برای سازمان‌دهی و مدیریت افعال و اعمال انسانی است. هدف این پژوهش پرداختن به برنامه و راهنمایی‌های الهی ناظر به صفات و ملکات انسانی است که در علم اخلاق موردبررسی قرار می‌گیرد.

تعریف نظام

نظام^۴ مجموعه‌ای از عناصر به هم مرتبط است که برای نیل به هدف مشترک باهم در تعامل هستند (مصباح یزدی، محمد تقی؛ ۱۳۸۴: ۳۵۲). این مجموعه شامل قوانین، سرمایه‌های انسانی و امکانات مادی است که برآیند آن تحقق اهداف و چشم‌انداز مشخص است.

تعریف اخلاق

برای واژه اخلاق تعاریف متعددی مطرح شده است که ذکر آن‌ها در این پژوهش لازم نیست؛ مراد ما از اخلاق، مجموعه خلق‌و‌خو و صفات راسخ در نفس انسانی است که ناشی از انجام ارادی (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۱۴) و مستمر بایدها و نبایدها است و سبب می‌شود تا افعالی که نزد صاحب آن، به‌عنوان ارزش تلقی می‌شود به سهولت و آسانی صادر شود. (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۲۵۰- غزالی ۱۴۰۹ ق: ۱۱۰- مازندرانی، ۱۳۸۲ ه. ق، ۱۷۴: ۸- شهید اول، ۱۴۲۲ ه. ق: ۲۵- مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۶۶: ۳۱۴- سجادی، ۱۳۷۳ ه. ش، ۱: ۱۱۱- مطهری، ۱۳۵۸ ه. ش، ۲۵: ۵۶)

مؤلفه های اخلاق

از این‌رو اخلاق دارای چند مؤلفه است:

اول: اخلاق از مقوله صفت است نه فعل،

دوم: اخلاق از صفات راسخ در نفس است.

سوم: این‌که ارادی و اکتسابی است که به دنبال درک و پذیرش مجموعه‌ای از بایسته‌ها و نبایسته‌ها و به تعبیر دقیق‌تر

الزاماتی که هر شخص در حوزه عملکرد خود به آن گردن می‌نهد حاصل می‌شود.

^۴- نظام در اینجا معادل سیستم در انگلیسی است. در تعریف سیستم (System) چنین آمده است:

A group of related parts that work together as a whole for a particular purpose.

<http://www.ldoceonline.com/dictionary/system>

ر.ک:

<http://www.merriam-webster.com/dictionary/system>

نیز ر.ک:

<http://www.businessdictionary.com/definition/system.html>

با توجه به معیارهای فوق سخن کسانی که اخلاق را مجموعه‌ای از رفتار می‌دانند یا انحصار اخلاق را در بعد ملکات نفسانی نمی‌کنند مورد مناقشه است.

بعضی از این کاربردها ناظر به جنبه‌های افعال اخلاقی است، بعضی منصرف به ویژگی‌ها و خصلت‌های خوب انسانی و بعضی نیز اعم از خصلت‌های نیک و بد است. لیکن به نظر می‌رسد توجه به معنای لغوی یک واژه را نمی‌توان در کاربرد آن نادیده گرفت به همین جهت استعمال این واژه و اراده افعال ناشی از یک خلق و خوی نیاز به قرینه دارد لذا آنچه را در ابتدا می‌توان از این واژه فهمید بُعد ناظر به خلق و صفت انسانی است.

تعریف اخلاق اسلامی

با توجه به تعریفی که از اخلاق ارائه شده تعریف اخلاق اسلامی نیز روش می‌شود؛ بنابراین اخلاق اسلامی عبارت است از مجموعه‌ای از خلق و خو و صفات راسخ و نظام‌مند در نفس انسانی که ناشی از انجام ارادی و مستمر بایدها و نبایدهای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است و سبب می‌شود افعالی که نزد صاحب آن، به‌عنوان ارزش الهی تلقی می‌شود به سهولت و آسانی از وی صادر شود. بدیهی است مؤلفه‌های اخلاق اسلامی همان مؤلفه‌هایی است که در ذیل تعریف اخلاق بیان شد.

تعریف اصطلاح‌نامه

اصطلاح‌نامه مجموعه‌ای از واژگان کلیدی یک حوزه از دانش است که به دلیل ارتباطات منطقی (رابطه مترادف، اعم و اخص و وابسته) میان آن‌ها همچون رگ‌های شبکه عصبی در یک حیوان زنده، زمینه انحصاری انتقال مناسب اطلاعات را فراهم می‌سازد؛ ارتباطات این اصطلاحات (عناوین) از آن جهت که برگرفته از ارتباطات عینی و واقعی میان معنوها می‌باشد موجب می‌شود علوم و دانش بشری همان‌گونه که بایسته است طبقه بندی شود. و در نتیجه می‌تواند یکی از مناسب‌ترین شیوه جهت انتقال اطلاعات با ویژگی سهولت، سرعت، جامعیت و مانعیت به کاربران باشد. (جمعی از محققان، ۱۳۷۶ ه. ش، ۱: ۱۳)

روابط اصطلاحات

به‌طور کلی روابط اساسی در اصطلاح‌نامه‌ها در سه نوع رابطه خلاصه می‌شود:

۱- رابطه مترادف (هم‌ارز)

در این نوع رابطه، واژگانی که به‌نوعی (با توجه به اهداف اطلاع‌رسانی در یک حوزه خاص) نسبت به هم دیگر هم‌پوشانی دارند معادل و مترادف تلقی می‌شوند؛ علامت اختصاری ارتباط میان واژگان مترادف عبارت‌اند از:

- «بک» (علامت اختصاری واژگان مرجح، به معنای: «بکار ببرید») مانند: احوال مجرد ← بک : احکام مجرد

- «بج» (علامت اختصاری واژگان غیرمرجح، به معنای: «بجای») مانند: احکام مجرد ← بج : احوال مجرد

در واژه‌های فوق اگرچه ممکن است واژه «احوال» با واژه «احکام» از جهت مفهوم لغوی متفاوت باشند لیکن در فلسفه اسلامی واژه مذکور به همراه قید آن از جهت بار معنایی، چیزی به‌جز بار معنایی «احکام مجرد» را افاده نمی‌نماید به همین جهت در حوزه فلسفه اسلامی، مترادف تلقی شده است.

با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان ملاک رابطه هم‌ارز و مترادف را در یک جمله خلاصه نمود و آن عبارت است از هم‌پوشانی مفهومی در یک حوزه خاص باهدف نظم‌بخشی در امر اطلاع‌رسانی.

۲- رابطه اعم و اخص (سلسله مراتبی)

علامت اختصاری ارتباط اعم و اخص عبارت‌اند از:

- «اع:» (به معنی «اعم» علامت اختصاری واژه اعم)؛

- «اخ:» (به معنی «اخص» علامت اختصاری واژه اخص).

ارتباط دو واژه نسبت به یکدیگر در صورت انطباق با یکی از محورهای ذیل ، ارتباط اعم و اخص تلقی می‌گردند:

الف: رابطه اعم و اخص جزئی و کلی مانند:

انسان	حیوان
اع: حیوان	اخ: انسان

ب: رابطه اعم و اخص کل و جزء مانند:

انسان

اخ: سر انسان

دهان انسان

ج: رابطه اعم و اخص مصداقی مانند:

پیامبران اولوالعزم

اع: پیامبران

اخ: حضرت محمد (ص)

حضرت نوح (ع)

حضرت ابراهیم (ع)

حضرت موسی (ع)

حضرت عیسی (ع)

۳- رابطه وابسته :

واژگانی که نسبت به همدیگر هم‌پوشانی مفهومی یا سلسله مراتبی نداشته ولی به‌نوعی با هم مرتبط باشند در زمره رابطه وابسته یا همبسته قرار می‌گیرند مانند: رابطه خیر و شر .

چستی آنتولوژی (هستان‌شناسی)

مفهوم هستان‌شناسی در معنای متعارف (غیر از کاربرد آن در علم کتابداری) بر اساس تحلیل زبانی (فقه اللغه) مرکب از دو واژه هستی(وجود) و شناسی (شناخت) است. شناخت هستی از وظایف اصلی فلسفه الهی است و اصولاً فلسفه الهی چیزی

جز وجود شناسی نیست. فلسفه از مطلق وجود بحث می‌کند به همین جهت همه مراتب هستی از عالی‌ترین مرتبه (وجود باری تعالی که مبرای از هر نوع نقص و عیب است) تا پایین‌ترین مرتبه هستی (وجود بالقوه‌ای که هیچ فعلیتی ندارد جز این که قوه برای اشیاء می‌باشد) در دایره مباحث فلسفی قرار می‌گیرد. دایره مباحث فلسفه اختصاص به وجودات خارجی عینی ندارد بلکه وجودات اعتباری، ذهنی و نفس‌الامری را نیز شامل می‌شود، و درست به همین خاطر است که مفاهیم ذهنی نیز در حیطه مباحث فلسفی قرار می‌گیرند، زیرا «مفاهیم» نیز اگرچه وجود خارجی عینی (مقابل ذهن) ندارند ولی در ظرف ذهن، هم از جهت طرد جهل از شخص عالم و هم از جهت این که به‌نوعی حکایت‌کننده یک امر خارجی هستند حقیقت دارند؛ و لذا «مفاهیم» نیز مرتبه‌ای از مراتب مطلق وجود است.

در دانش اطلاع‌رسانی نیز، واژه هستی‌شناسی به استخدام درآمده است لیکن هنوز آن‌گونه که بایسته است حدود و ثغور آن کاملاً مشخص نشده است به همین جهت تعریف‌های متعددی از آن ارائه داده‌اند؛ برای نمونه:

۱- تعریف گروبر: هستی‌شناسی، ذکر خصوصیات صریح از مفاهیم به اشتراک گذاشته شده است. (صنعت جو، ۱۳۸۴،

۶۴)

۲- تعریف سورگل: هستی‌شناسی عبارت است از ابزار سازمان‌دهی منابع وب که به بازیابی متون با زبان طبیعی کمک می‌کند. (صنعت جو، ۱۳۸۴، ۶۴)

۳- تعریف جان سوا: هستی‌شناسی ذکر مشخصاتی از انواع مدخل‌هایی است که بالقوه یا بالفعل در حوزه موضوعی خاص موجودند و انواع روابط خاص که در یک ترتیب جزئی و ساده سازمان یافته‌اند. (صنعت جو، ۱۳۸۴، ۶۴)

هستی‌شناسی دسته‌بندی از موضوعات یا عناصر موجود در یک حوزه خاص را بررسی می‌کند و بر اساس آن بررسی، فهرستی از موضوعات را ارائه می‌دهد. این فهرست که به تفصیل، انواع موضوعات و روابط میان آن‌ها را در حوزه مورد بررسی بیان می‌کند هستی‌شناسی نامیده می‌شود. (الین، شیخ شعاعی، زمستان ۱۳۸۴، ۶۴)

۴- تریف آنسکفلد: هستی‌شناسی مجموعه‌ای از مفاهیم (موجودیت‌ها، نگرش‌ها و فرایندها)، تعاریف آن‌ها و روابط داخلی میان آن‌هاست. (صنعت جو، ۱۳۸۴، ۶۴)

۵- هستی‌شناسی‌ها همچون اصطلاح‌نامه‌ها مجموعه لغات کنترل شده است با این تفاوت که مفاهیم یک حوزه خاص با روابط معنایی خاص با توجه به حوزه موضوعی و بعضاً متفاوت از حوزه موضوعی دیگر به شکل خاص طبقه‌بندی می‌شوند که هدف آن‌ها نمایش مفاهیم در قالب زبان طبیعی است. (صنعت جو، ۱۳۸۴، ۶۴)

آنچه از مجموع تعاریف فوق‌الذکر می‌توان به دست آورد این است که هدف هستی‌شناسی در دانش اطلاع‌رسانی، برقراری نظام سیستماتیک و گویا میان مفاهیم در یک حوزه خاص است و به نظر می‌رسد تنها تفاوت اساسی میان اصطلاح‌نامه‌ها و هستی‌شناسی‌ها در همین قید اخیر (گویایی رابطه مفاهیم) باشد.

توضیح این‌که توجه به مسئله هستی‌شناسی به خاطر یک هدف بسیار مهم در نظام مدیریت دانش در وب جهانی به جهت فراهم آوری دانش مناسب برای افراد مناسب و در زمان مناسب است بدیهی است هراندازه، بازنمایی و ذخیره‌سازی اطلاعات با دقت بیشتری انجام پذیرد، بازیابی دانش نیز ارزش‌افزوده بیشتری را در پی خواهد داشت زیرا هم موجب بازیابی دانش ذخیره‌شده با ویژگی سرعت، دقت، جامعیت و مانعیت می‌شود و هم موجب خلق دانش‌های ضمنی دیگر خواهد شد. برای تحقق این هدف بسیار مهم، چاره‌ای جز ایجاد ارتباط معنایی میان مفاهیم و نیز گویا نمودن نوع ارتباط میان آن‌ها نیست؛ پاسخ گوی بخش اول (اصل ایجاد ارتباط منطقی) اصطلاح‌نامه و پاسخ گوی بخش دوم، هستی‌شناسی است. در پایان این پژوهش نمونه‌ای از هستی‌شناسی در بخش عفت اخلاقی ارائه شده است.

تعریف نظام اخلاقی اسلام

مقصود از نظام اخلاقی اسلام مجموعه‌ای از راهنمایی‌ها، قوانین، موعظه‌ها و توصیه‌های درهم‌تنیده و هماهنگ و متناسب با شئون وجودی انسان و پرورش انسان اخلاقی به‌منظور شناخت حقایق اشیاء و درک واقعیات همان‌گونه که هست. (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳ ه. ش، ۱: ۱۸۲- هاشمی خویی، ۱۴۰۰ ه. ق، ۱۷: ۲۲۷).

دین اسلام نظام اخلاقی خاص خود را دارد که کاملاً متفاوت با سایر نظام‌های اخلاقی مکاتب بشری و یا ادیان تحریف‌شده الهی است. حقیقت این نظام در قرآن و سنت شامل دعاها و روایات معصومین (ع) تعبیه شده است؛ مهم کشف این نظام است و به نظر می‌رسد این مسئله تلاشی مجتهدانه در وزان اجتهادات فقهی را می‌طلبد؛ بنابراین کارهایی که توسط صاحب‌نظران در این حوزه صورت گرفته است اگرچه لازم ولی کافی به نظر نمی‌رسد.

تبیین وضعیت موجود نظام اخلاقی اسلام

درباره ساختار و نظام اخلاقی اسلام دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است:

الف) تقسیم مشهور به تقسیم یونانی؛ که ساختار اخلاق را بر اساس قوای عاقله، عامله، غضبیه و شهویه دسته‌بندی کرده‌اند. به عنوان نمونه، ابن مسکویه در تطهیر الاعراق، خواجه نصیر طوسی در اخلاق ناصری، ملا مهدی نراقی در جامع السعادات، ملا احمد نراقی در معراج السعاده و... بر اساس این تقسیم رئوس مسائل علم اخلاق در چهار فضیلت (حکمت، عفت، شجاعت و عدالت) و هشت ردیلت سفاهت (که به آن جرزه یا کرپزی گفته می‌شود)، بلاهت، تهور، جبن، شره، خمودی، ظلم و انظلام، دسته‌بندی شده است (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۲- نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۸۳- ابن مسکویه، بی تا: ۹۶)، و تلاش گردیده تا تمامی فضایل ذیل یکی از فضایل چهارگانه رأس و جمیع رداییل نیز به یکی از رداییل هشتگانه رأس ارجاع داده شود و در برخی موارد نیز یک فضیلت یا ردیلت ذیل چند رأس قرار گرفته است (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۶) بر این اساس فضایل و رداییل تحت اجناس دوازده‌گانه به شرح ذیل خواهد بود:

اول: فضایل

- ۱- انواع فضایل تحت حکمت: ذكاء - سرعت فهم - صفای ذهن - سهولت‌تعلیم - حسن تعقل (تعقل) - تحفظ (ذکر) (ابن مسکویه، بی تا: ۱۰۸) - تذکر (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۵) - جودت ذهن (ابن مسکویه، بی تا: ۱۰۹)
- ۲- انواع فضایل تحت عفت: حیا - رفق - حسن هدی - مسالمت - دعت - صبر - قناعت - وقار - ورع (تقوی بالمعنی الخاص) (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۵) - انتظام - حریت - سخا - (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۶) - زهد - فقر - استغنای از مردم - امانت (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۵)
- انواع فضایل تحت جنس سخا (اخص الاخص عفت) کرم - ایثار - عفو - مروت - نیل - مواسات - سماحت - مسامحت.
- ۳- انواع فضایل تحت شجاعت: کبر نفس - نجدت - بلندهمتی - ثبات - حلم - سکون نفس - شهامت - تحمل - تواضع - حمیت - رقت.
- ۴- انواع فضایل تحت عدالت: صداقت - الفت - وفا - شفقت - صلهرحم - مکافات - حسن شرکت - حسن قضا - تودد - تسلیم - توکل - عبادت. (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۸-۷۹)

دوم: ردایل

۱- انواع ردایل تحت سفاهت (جریزه): خبائث (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۸۴- ابن مسکویه، بی تا: ۱۰۸) - سرعت تخیل (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۸۴)- برافروختگی ذهن که مانع از استخراج مطلوب است - عجله برای تعلم بدون تثبیت صور علم صرف فکر در ادراک امور زائد بر تعقل مطلوب- عنایت زائد در ضبط چیزهای بی فایده- (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۸۵- ابن مسکویه، بی تا: ۱۰۸-۱۰۹)-

۲- انواع ردایل تحت بلاهت: بلاد- کندی در فهم (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۸۵) - ظلمت نفس برای استخراج مطلوب - تعصب و تعذر در تعلم - قصور فکر از تعقل تمام مطلوب - نسیان موجب اهمال در حفظ امور لازم (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۸۴-۸۵- ابن مسکویه، بی تا: ۱۰۸-۱۰۹)-

۳- انواع ردایل تحت شره: حب دنیا - حب مال - بی نیازی - حرص - طمع - بخل - طلب حرام - غدر - خیانت. (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۵)

۴- انواع ردایل تحت خمودی: سستی در طلب قوت ضروری- سستی در حفظ نسل (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۱۳۲)- تنبلی - کوتاهی در کسب الفت (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۲۹۱) -

۵- انواع ردایل تحت بی باکی (تهور): ایمنی از مکر خدا- کبر - کتمان حق - خودستایی (ترکیه نفس) - عصبیت - غضب - انتقام - عنف - بدخلقی - حقد - عداوت - عجب (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۳-۱۰۵)

۶- انواع ردایل تحت جبن: اضطراب - بی رغبتی - تواضع مذموم - حزن مذموم - ذلت نفس - ضعف نفس- عدم غیرت و حمیت -

۷ و ۸- انواع ردایل تحت ظلم و انظلام: در باره این دو نوع، موارد خاصی در منابع اخلاقی یافت نشده است و با توجه به این که انظلام زیرمجموعه ظلم قرار دارد؛ مواردی که به عنوان مصداق ظلم محسوب می شود از قبیل آزار، اهانت، تحقیر و... در ذیل یکی از دو طرف افراط یا تفریط قوای غضبیه و شهویه آورده شده است. (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۶)

ب) تقسیم بر اساس منجیات و مهلکات. مانند غزالی در احیاء العلوم و فیض کاشانی در محجۀ البیضاء. (فیض کاشانی، ۱۳۷۶ ه. ش، ۱: ۵) بر اساس این نگرش سعی شده است فضایل و ردایل اخلاقی ذیل مهلکات^۵ و منجیات^۶ و هر کدام در ده باب تحت عنوان ده کتاب آورده شود. البته این کتاب مشتمل بر دو بخش دیگری تحت عنوان ربع عادات و ربع عبادات نیز هست که بیشتر ناظر به آداب و افعال اخلاقی است ضمن این که برخی از مباحث آن صرفاً فقهی محسوب می شود.

ج) تقسیم بر اساس روایت جنود عقل و جهل که هر یک از فضایل و ردایل را در ذیل یکی از جنود عقل و جهل قرار می دهد. (امام خمینی، ۱۳۸۲ ه. ش)

د) تقسیم بر اساس روایات ایمان و کفر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ه. ش، ۱: ۱۱۱).

^۵ مهلکات شامل ده کتاب: شرح عجایب قلب- ریاضت نفس- کسر شهوت- آفات زبان- نکوهش غضب، حقد و حسد- نکوهش دنیا- نکوهش مال و بخل- نکوهش جاه و ریاء- نکوهش تکبر و عجب- نکوهش غرور.

^۶ منجیات شامل ده کتاب: توبه- صبر و شکر- خوف و رجاء- فقر و زهد- توحید و توکل- محبت، انس، شوق و رضا- نیت، صدق و اخلاص- مراقبت و محاسبه- تفکر- یاد مرگ و بعد مرگ.

ه) تقسیم بر اساس اخلاق فردی و اجتماعی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ه. ش، ۱: ۷۶ - نیز ر.ک: ستوده نیا، ۱۳۹۲، ۱۹: ۸۲
[.http://www.maarefquran.org/files/pdf/21588.pdf](http://www.maarefquran.org/files/pdf/21588.pdf)

و) تقسیم ثلاثی اخلاق به الهی، فردی و اجتماعی (شیروانی، ۱۳۷۹ ه. ش: ۱۲۳ و ۱۴۹ و ۱۹۳).

ز) تقسیم چهارگانه؛ ۱- مسائل اخلاقی در ارتباط با خالق؛ ۲- مسائل اخلاقی در ارتباط با خلق؛ ۳- مسائل اخلاقی در ارتباط با خویشتن؛ ۴- مسائل اخلاقی در ارتباط با جهان آفرینش و طبیعت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ه. ش، ۱: ۱۰۴). در کتاب اخلاق در قرآن، با استناد به تقسیم‌هایی که از مجموع آیات قرآن استفاده می‌شود اصول اخلاق را در چهار بخش یاد شده تقسیم کرده و در جلد دوم این کتاب در مقام بیان ترتیب مسائل مربوط به اخلاق و تفسیر موضوعات اخلاقی قرآن، بر اساس ترتیب بیان قرآن، مطالب را مرتب و گزینش کرده‌اند^۷ بر این اساس در تفسیر موضوعی قرآن ابتدا به استکبار، خودخواهی، خودبرتربینی، لجاجت و تعصب شیطان در مقابل سجده بر آدم و سپس حرص و آز آدم و حوا و نیز بحث هابیل و قابیل و صفات زشتی که باعث قتل هابیل شده پرداخته و در ادامه به ترتیب به داستان‌های انبیای الهی دیگر به‌عنوان آینه فضایل و در مقابل، دشمنانشان به‌عنوان آینه رذایل اخلاقی که به انواع مجازات‌های الهی گرفتار شدند می‌پردازد. و این روش را به دلیل سازگاری با شیوه قرآن و اعطای حس و تجربه در تاریخ حیات انسان و عینیت بخشیدن به مباحث فضایل و رذایل برمی‌گزیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ه. ش، ۲: ۱۶)^۸.

ح) تقسیم اخلاق به صفات نفسانی هدایتگر و صفات نفسانی عمل‌کننده (دیلمی، ۱۳۸۹ ه. ش، ۱: ۳۲۶).

ط) تقسیم صفات اخلاقی بر اساس مراتب فضایل و رذایل در ده فصل (مظاهری، ۱۳۸۳ ه. ش، ۲: ۹).

^۷ ر.ک: «اخلاق در قرآن»، مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۱۵-۱۶. ایشان در پیش‌گفتار جلد دوم «اخلاق در قرآن» در تبیین روش بحث، پس از طرح این سؤال که از کدام نظم و ترتیب در این حوزه (که از آن با عنوان «بحث پرتلاطم» نام بردند) باید پیروی نمود؟ طرح آن به روش فلاسفه یونان (که اخلاق را به چهار بخش: حکمت، عدالت، شهوت و غضب تقسیم کردند) و یا طرح آن به ترتیب الفبایی فضایل و رذایل و یا سایر روش‌ها مانند روش‌های به قول ایشان مکتب‌های شرق و غرب، مخالفت کردند. ایشان قناعت به تقسیم چهارگانه فلاسفه یونان را به جهت آنچه ناهماهنگ با آیات قرآن که مدار بحث ایشان است و نیز آن را خالی از نقایص ندانسته رد کرده و روش الفبایی را به این دلیل که مسائل در آن روش، غالباً از روش منطقی جدا شده و بحث‌ها ناهماهنگ می‌شود نیز نمی‌پذیرند و روش سوم را نیز به خاطر مشکلات ذاتی هریک و نیز عدم هماهنگی با تفسیر موضوعی قرآن در زمینه اخلاق، رد می‌کنند. وی سپس آنچه را که وی نظم قرآنی در بیان مباحث اخلاقی و عملی در لابلای شرح‌حال تاریخ گذشتگان و اقوام پیشین می‌نامد که قرآن آن را به‌خوبی مجسم نموده و بیان کرده که هر کدام از این فضایل و رذایل چه بازتاب‌های وسیعی در جوامع انسانی دارد و عاقبت کار آن‌ها به کجا می‌رسد؛ می‌گوید: به همین دلیل فکر کردیم بهتر است معیار نظم مباحث را با توجه به شرایط ویژه‌ای که بر بحث ما حاکم است همان تواریخ قرآن مجید و معیارهای حاکم بر آن بدانیم.

^۸ «اخلاق در قرآن»، مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۱۶

^۹ ر.ک: کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، ج ۲. بر همین اساس برترین فضایل به ترتیب عبارت‌اند از: یقین - توحید - تفکر -

شجاعت - خوف از خدا - رجا و امید به خدا - کرامت نفس - غیرت و حمیت - آرامش، ثبات و وقار - حسن ظن. و برترین رذایل به ترتیب

عبارت‌اند از: ریهه - شرک - غفلت - مکر، خدعه و کید - کوچکی نفس - عجله - اضطراب خاطر - بی‌تابی - تزلزل و دودلی - بدگمانی و وسوسه

اندیشه.

بررسی و نقد

هر کدام از تقسیمات یادشده ضمن این که دارای مزایای خاص خود می باشد از جهاتی قابل ملاحظه است:

۱- اول این که در هیچ یک از تقسیمات فوق، انضباط لازم جهت تفکیک بین صفات اخلاقی و افعال اخلاقی مشاهده نمی شود. در حالی که تمام صاحب نظران این حوزه، اخلاق را به صفات نفسانی راسخه در نفس که به صورت ملکه درآمده است تعریف کرده اند (غزالی (ابوحامد)، بی تا، ۸: ۹۶- فیض کاشانی، ه. ش، ۵: ۹۵- نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۵۵) و نتیجه آن را (نه خود آن) صدور افعال اخلاقی به سهولت از شخص مورد نظر دانسته اند^۱. از باب مثال حب دنیا از رذایل قوه شهویه است که از مصادیق صفات اخلاقی ناپسند محسوب می شود. در حالی که غدر و خیانت و انواع فجور مثل زنا، لواط، شرب خمر و اشتغال به ملاحی از مصادیق افعالی است که ناشی از رذایل اخلاقی قوه شهویه است (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۵).

۲- نکته دیگر مسئله جامعیت و مانعیت تقسیمات فوق است. زیرا جامعیت و مانعیت یک نظام منوط به توجه به همه جوانب موضوع از کلی ترین امور تا ریزترین جزئیات از ابتدا تا انتها است و روشن است که برخی از منابع ناظر به بعضی از تقسیمات فوق -مانند تقسیم بر مبنای جنود عقل و جهل و ایمان و کفر- اساساً درصدد ارائه یک نظام اخلاقی نمی باشند و برخی از منابعی که به دنبال ارائه یک نظام اخلاقی هستند توجه کافی به پیچیدگی های جزئیات مسائل اخلاقی در آنها مشاهده نمی شود. فی المثل در کتاب جامع السعادات خلق حکمت به عنوان فضیلت اخلاقی قوه عقلیه برشمرده شده و نهایتاً بعضی از مصادیق آن مثل فضیلت یقین نیز ذکر گردیده است در حالی که در آیات و روایات و کتاب های اخلاقی که توسط دانشمندان فرهیخته اسلامی نگاشته شده است یقین به عنوان یک فضیلت نفسانی منطقی با مفاهیم متعددی گره خورده است که بی شک نمی توان در یک نظام اخلاقی از کنار آن بی تفاوت گذشت. ولی برای ارائه یک نظام اخلاقی که طبعاً باید به همه جزئیات و ارتباطات توجه کند در ذیل حکمت کافی به نظر نمی رسد.

۳- نکته سوم این که اساساً دسته بندی اخلاق می تواند فواید متعددی داشته باشد مانند:

الف) ارائه یک نظم منطقی برای فهم درست به مطالب و دسترسی به آن.

ب) ارائه الگویی جامع و کاربردی برای تحقق جامعه اخلاقی، سالم در دو حوزه بهداشت و درمان اخلاقی.

تقسیمات فوق نهایتاً فایده اول را تأمین می کند اما در تأمین فایده دوم به خصوص در حوزه درمان به نظر می رسد کاستی هایی دارد. زیرا در این تقسیم ها ارتباطات میان مفاهیم اخلاقی عمدتاً ارتباط به نحو ارتباط عام و خاص است و به پیچیدگی های میان یک مفهوم با مفاهیم دیگر در حوزه های دیگر کمتر توجه شده است.

^۱- همان

مؤلفه‌های نظام اخلاقی اسلام

برای نظام اخلاقی اسلام مؤلفه‌ها، اصول و ویژگی‌هایی ذکر شده است، از جمله: فراگیری و شمول؛ هماهنگی و انسجام درونی؛ قابلیت تبیین عقلانی؛ توجه به تمام نیازها و ابعاد انسان؛ توجه به حسن فاعلی و فعلی؛ مراتب داشتن ارزش‌ها، واقع‌گرایی در اخلاق؛ ضرورت بالقیاس میان فعل اختیاری و نتیجه آن؛ پذیرش روح و جاودانگی آن؛ اصالت روح؛ تکامل روح؛ نقش اختیار و انتخاب آگاهانه در تکامل اخلاقی انسان؛ حب ذات؛ گرایش روح به سمت بی‌نهایت؛ مراتب طولی و عرضی روح؛ نقش توجه نفس به مراتب و شئون خود در طلب کمال آن‌ها؛ لزوم جهت‌گیری کمالات قوای نازله نفس به سوی کمال نهایی؛ نقش نیت در تکامل نفس؛ تناسب نیت با شکل کار؛ انگیزه‌های طولی (مصباح یزدی، محمد تقی؛ ۱۳۸۴: ۳۳۰).

علاوه بر محورهای فوق، موارد دیگری نیز درباره ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام بیان شده است (پاتریک ه. مترجم: حقی، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۴)^{۱۱} ولی همان‌گونه که اشاره شد، مشکل همچنان باقی است و این نقیصه‌ای است که باید برطرف شود. رفع این نقیصه نیازمند تلاش گروهی صاحبان اندیشه در این حوزه است. صلاحیت این گروه درگرو آگاهی کافی از قرآن و سنت و نیز در حوزه‌های اخلاق، تربیت، فقه، و... در کنار بهره‌گیری از ابزارهای لازم از قبیل تزاروس (اصطلاح‌نامه) آنتولوژی (هستان‌شناسی) جهت مدیریت دانش است که امروزه با توجه به پیشرفت در حوزه مدیریت اطلاعات به خدمت گرفته شده است.

بی‌شک ارائه نظام اخلاقی اسلام متوقف بر تدوین نقشه جامعی در این‌باره است که در آن علاوه بر وجود همه مفاهیم اخلاقی متخذ از شرع مقدس اسلام، به همه ابعاد و زوایای وجودی انسان نیز توجه شود؛ و لازمه این کار نگاهی دوباره به قرآن و سنت در حوزه معارف اخلاقی با ویژگی‌های ذیل است:

۱- ارائه تعریف انسان طبق دیدگاه اسلام

۲- کشف مفاهیم ناظر به خصلت‌های اخلاقی و تمیز آن با مفاهیم ناظر به افعال ناشی از خصلت‌های اخلاقی.

۳- دسته‌بندی این مفاهیم بر اساس ملاکات منطقی.

ترسیم وضعیت مطلوب نظام اخلاقی اسلام

وضعیت مطلوب برای یک نظام اخلاقی مبتنی بر اسلام حقیقی دارای مؤلفه‌های ذیل است:

- ۱- نقشه نظام اخلاقی باید متناسب با همه اضلاع وجودی سه‌گانه انسان باشد که پیش‌تر اشاره گردید.
- ۲- نقشه نظام اخلاقی مطلوب باید مشتمل بر همه امور اخلاقی (صفات و افعال ناشی از صفات اخلاقی) از کلی‌ترین تا جزئی‌ترین امور باشد.

^{۱۱} - برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

<http://tahoor.com/fa/Article/View/19226>

<http://www.hawzah.net/fa/article/articleview/81114?ParentID=78538>

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2384121>

۳- در نقشه نظام اخلاقی مطلوب باید جایگاه تمام امور اخلاقی به‌درستی و دقت تعیین و تبیین شود به‌طوری‌که با جابجایی آن امور، غرض نظام اخلاقی اسلام (که مکارم اخلاق در فرد و جامعه است) حاصل نمی‌شود.

تحقق نقشه نظام اخلاقی مطلوب با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فوق منوط به مهندسی دقیق و مدیریت منطقی مفاهیم اخلاقی است و بدون آن به‌هیچ‌وجه نمی‌توان انتظار ارائه یک نقشه کامل از نظام اخلاقی را داشت. مهندسی منطقی این مفاهیم متوقف بر شناخت دقیق روابط معنایی این مفاهیم است و این روابط معنایی، خارج از سه ضلع نیست.

۱- مفاهیمی که منطقاً هم‌پوشانی معنایی دارند؛ این هم‌پوشانی معنایی می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد از جمله: مترادف لغوی، جمع و مفرد، معادل‌های زبان‌شناختی، شبه مترادف‌ها،

۲- مفاهیم تابع و متبوع یا شامل و مشمول که منطقاً سه مصادیق را می‌توان برای آن فرض کرد:

رابطه کلی و جزئی، مانند: رابطه جنس و نوع، صنف و نوع، صنف و صنف.

- رابطه کل و جزء.

- رابطه مفهوم و مصادیق.

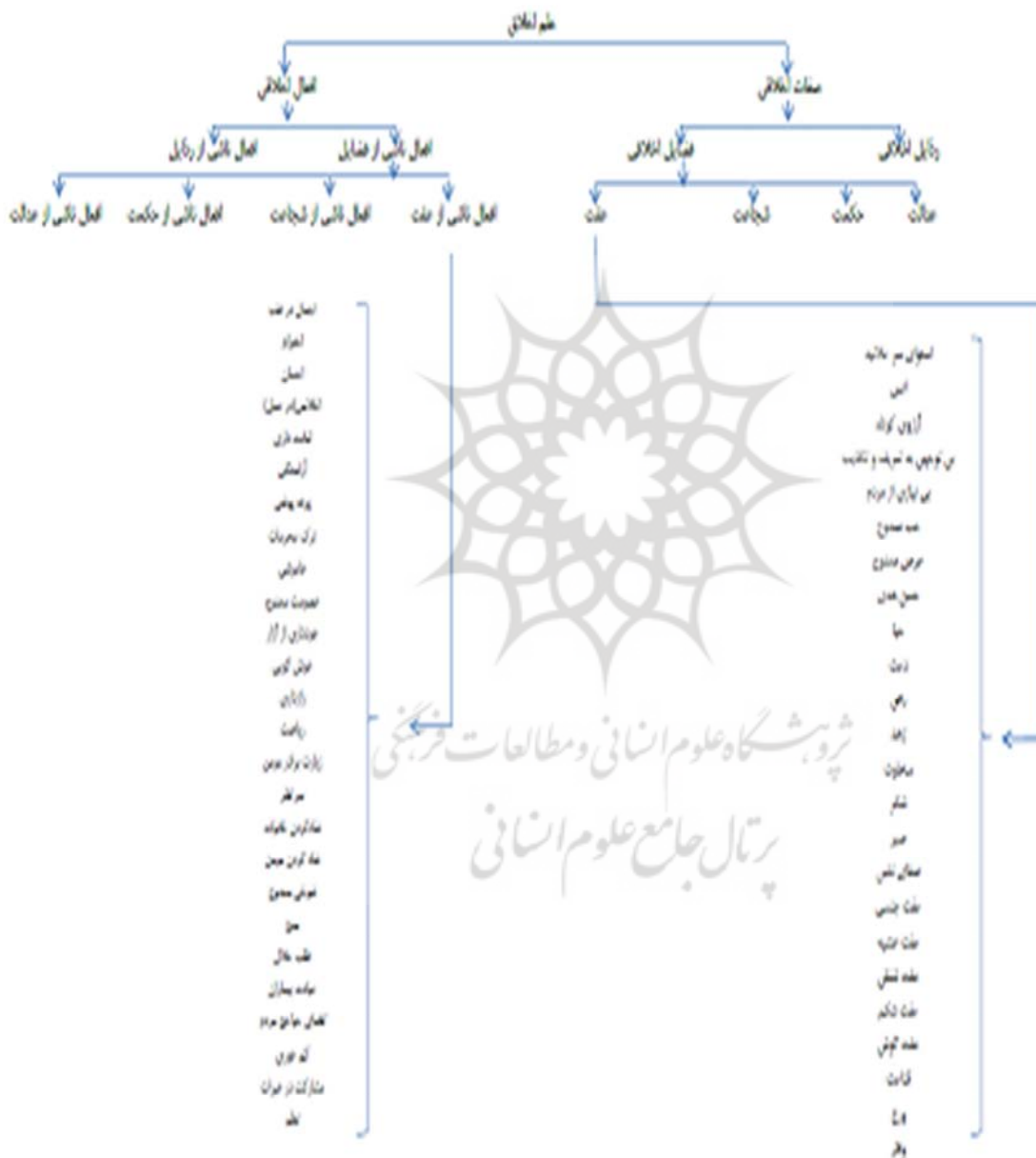
- مفاهیمی که منطقاً باهم مرتبط بوده ولی در هیچ‌یک از دو مورد فوق داخل نمی‌شوند. مانند مفاهیم بیانگر سبب و مسبب، مفاهیم متضاد و ... این نوع رابطه را می‌توان در دودسته کلی جای داد.

- رابطه‌ای که منطقاً در زمره ارتباطات وجودی و فلسفی قرار می‌گیرند. مانند: رابطه علت تامه با معلول، رابطه علت ناقصه با معلول، رابطه اثر و مؤثر، عامل و عمل، فاعل و فعل، سبب و مسبب،

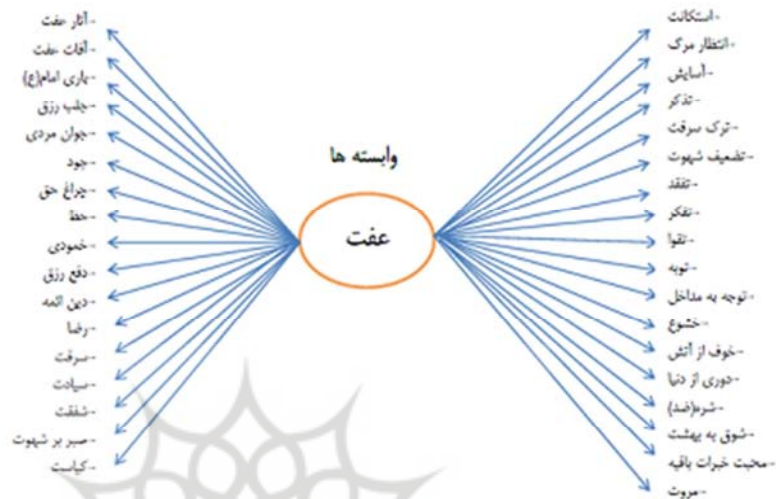
- رابطه‌ای که منطقاً در زمره رابطه وجودی قرار نمی‌گیرند ولی به‌نوعی باهم مرتبط هستند که اصطلاحاً از آن به «معدّات» تعبیر می‌شود. مانند: رابطه آلت قتل با خود قتل، رابطه کربلا با شهادت امام حسین(ع).

مهم‌ترین اصلی که در نقشه نظام اخلاقی مطلوب از جهت روابط نوع سوم باید مدنظر قرار گیرد توجه به اولویت‌های این روابط است به‌طوری‌که عدم رعایت آن منجر به ارائه نقشه‌ای ناقص و ناکارآمد از نظام اخلاقی مطلوب است. بنابراین اگر در نقشه نظام اخلاقی، مفاهیمی که در رتبه معدّات قرار دارند در جایگاه روابط وجودی گذاشته شوند نوعی آدرس‌دهی غلط محسوب شده که نه تنها اثر موردنظر را در پی نخواهد داشت بلکه به جهت ایجاد اختلال در روابط مفاهیم در برخی موارد آثار زیانباری را نیز به دنبال خواهد داشت.

نمونه ای از ساختار درختی (اعم و اخصی) در حوزه عفت اخلاقی



نمونه ای از اصطلاحات وابسته (غیر اعم و اخصی) به عفت



نمونه ای از هستان شناسی در حوزه «عفت»

مفهوم رأس	رابطه	مفاهیم مرتبط	ردیف
عفت	(اخص) ←	استوای سر و علانیه - (ضد) نفاق ^{۱۲}	۱
عفت	(اخص) ←	آرزوی کوتاه- (ضد) آرزوی طولانی	۲
عفت	(اخص) ←	بی توجهی به تعریف و تکذیب دیگران - (ضد) حب مدح	۳
عفت	(اخص) ←	بی توجهی به تعریف و تکذیب دیگران - (ضد) کراهت ذم	۴
عفت	(اخص) ←	بی نیازی از مردم- (ضد) طمع (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۵)	۵
عفت	(اخص) ←	حرص ممدوح (اعم) حرص در طلب	۶

^{۱۲} استوای سر و علانیه در این نمودار، اخص عفت و ضد نفاق، نتیجه این است که نفاق ضد عفت است. این شیوه استنتاج در مورد همه اضداد اخص ها جاری است.

		حق (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۱۰۶)	
عفت	← (اخص)	حرص ممدوح (ضد) طمع	۷
عفت	← (اخص نوعی)	حیا (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۷) - (ضد) وقاحت (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۷)	۸
عفت	← (اخص)	سخاوت - (ضد) بخل	۹
عفت	← (اخص)	زهد (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۷) - (ضد) حب مال	۱۰
عفت	← (اخص)	سخاوت (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۷) - (ضد) اسراف	۱۱
عفت	← (اخص نوعی)	صبر (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۷) - (ضد) بی- تابی	۱۲
عفت	← (اخص)	انس - (ضد) بعد	۱۳
عفت	← (اخص نوعی)	قناعت (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۷) - (ضد) حرص	۱۴
عفت	← (اخص)	حرص ممدوح (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۱۰۵) - (ضد) حرص مذموم	۱۵
عفت	← (اخص نوعی)	رفق (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۵) (ضد) خشونت	۱۶
عفت	← (اخص)	انس - (لازمه) حب خلوت ^{۱۳}	۱۷
عفت	← (اخص)	انس - (لازمه) عزلت	۱۸
عفت	← (اخص نوعی)	حسن هدی (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۷) -	۱۹
عفت	← (اخص نوعی)	دعت (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۷) -	۲۰
عفت	← (اخص)	عفت جنسی	۲۱

^{۱۳} - انس اخص عفت و ملزوم حب خلوت پس حب خلوت لازمه عفت است

عفت	← (اخص)	عفت شکم	۲۲
عفت	← (اخص)	عفت چشم	۲۳
عفت	← (اخص)	عفت گوش	۲۴
عفت	← (اخص نوعی)	قناعت- (سبب) عزت (لیثی واسطی)، (۱۳۷۶ ه. ش :۲۰۸)	۲۵
عفت	← (اخص)	ورع (نراقی، مهدی، بی تا، ۱: ۱۰۵)	۲۶
عفت	← (اخص نوعی)	وقار (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۷۷) - (لازمه) علم	۲۷

روابط غیر اخص

مفهوم رأس	رابطه	مفاهیم مرتبط	ردیف
عفت	← (ثمره)	خوف از آتش جهنم (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۶۵: ۳۷۳)	۱
عفت	← (ثمره)	دوری از دنیا (لیثی واسطی، (۱۳۷۶ ه. ش: ۲۰۷)	۲
عفت	← (ثمره)	شوق به بهشت (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۶۵: ۳۷۳)	۳
عفت	← (شعبه‌ای از)	محبت خیرات باقیه (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۶۵: ۳۷۳)	۴
عفت	← (شعبه‌ای از)	استکانت (حرانی ؛ ۱۳۶۳ ه. ش: ۱۷)	۵
عفت	← (شعبه‌ای از)	آسایش (حرانی ؛ ۱۳۶۳ ه. ش: ۱۷)	۶
عفت	← (شعبه‌ای از)	تذکر (حرانی ؛ ۱۳۶۳ ه. ش: ۱۷)	۷
عفت	← (شعبه‌ای از)	تفقد (حرانی ؛ ۱۳۶۳ ه. ش: ۱۷)	۸
عفت	← (شعبه‌ای از)	تفکر (حرانی ؛ ۱۳۶۳ ه. ش: ۱۷)	۹
عفت	← (شعبه‌ای از)	خشوع (حرانی ؛ ۱۳۶۳ ه. ش: ۱۷)	۱۰
عفت	← (شعبه‌ای از)	انتظار مرگ (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۶۵: ۳۷۲)	۱۱

عفت	← (ضد)	شره	۱۲
عفت	← (موجب)	ترک سرقت (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه. ق، ۳: ۵۸۵)	۱۳
عفت	← (سبب)	تضعیف شهوت (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ه. ش: ۶۷)	۱۴
عفت	← (مسبب)	تقوا (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ه. ش: ۶۷)	۱۵

مواردی که ذکر شد بخشی از ارتباطات هستی‌شناسی مفاهیم اخلاقی در بخش عفت است و در این ارتباطات تنها به یک یا دو لایه میان مفاهیم اخلاقی دیگر با عفت توجه شده است. بی‌شک مفهوم عفت در منابع دینی اعم از آیات و روایات و نیز متون اخلاقی، ارتباطات بسیار گسترده‌ای با مفاهیم دیگر اخلاقی (اعم از ارتباط بی‌واسطه یا باواسطه با در نظر گرفتن مراتب طولی و عرضی وساطت) دارد که در صورت کشف این روابط تصمیم‌گیری درباره نظام اخلاقی در حوزه عفت آسان‌تر خواهد بود.

نتیجه:

فهم و کشف کامل نظام اخلاقی اسلام منوط به مراجعه مستقیم به کتاب و سنت و کشف مفاهیم اخلاقی از یک سو و ایجاد ارتباطات میان این مفاهیم با استناد به کلام خدا و سخن معصوم، شرط اولیه تدوین این نظام است. بدیهی است در صورت کشف دقیق این ارتباطات، می‌توان ارتباطات میان مفاهیم را به دودسته ارتباطات فلسفی (علت، اعم از علت تامه یا جزء العله) و ارتباطات غیر فلسفی (معدات) با رعایت مراتب ارتباطات طولی و عرضی تقسیم کرده و بدین سبب هم نظام اخلاقی منطبق بر کتاب و سنت را تدوین نمود و هم مؤلفه‌های اساسی این نظام را ترسیم نمود. برای تحقق این مطلب، اصطلاحنامه و هستان‌شناسی به‌عنوان دو ابزار مهم و بی‌بدیل، نقش اساسی ایفا خواهند کرد.

کتابنامه

- (۱) ابن بابویه، محمد بن علی؛ (۱۳۷۸ ه. ق) عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران (ایران)، نشر جهان.
- (۲) ابن بابویه، محمد بن علی؛ (۱۴۱۳ ه. ق) من لایحضره الفقیه، قم (ایران)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۳) ابن مسکویه، احمد بن محمد؛ (بی تا) تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم (ایران)، طلیعه نور.
- (۴) فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله؛ (۱۴۰۵ ه. ق) ارشاد الطالبین، قم (ایران)، مکتبه المرعشی النجفی.
- (۵) الین ک. ژاکوب، مترجم: شیخ شعاعی، فاطمه؛ (زمستان ۱۳۸۴) «هستی‌شناسی‌ها و وب معنایی»، فصلنامه کتاب (مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات)، فصلنامه، شماره ۶۴.

- ۶) پاتریک ه. نول اسمیت، مترجم: حقی، علی؛ (بهار و تابستان ۱۳۷۷) «دین و اخلاق»، مجله پژوهش‌های قرآنی، مشهد (ایران)، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، شماره ۱۳-۱۴.
- ۷) تفتازانی، مسعودین عمر؛ (۱۳۷۰ ه.ش) شرح المقاصد، قم (ایران)، انتشارات الشریف الرضی،
- ۹) جمعی از محققان؛ (۱۳۷۶ ه. ش) اصطلاح‌نامه فلسفه اسلامی، قم (ایران)، بوستان کتاب قم.
- ۱۰) جمعی از محققان؛ (بی تا) مجله تخصصی علم کلام، قم (ایران)، مؤسسه امام صادق (ع)
- ۱۱) حبیبی، ضامن علی؛ (بی تا) جهان شمولی اسلام و جهانی سازی عرفی،
<http://www.fasnamekothar.com/papers/Kothar.18/Habibi.htm>
- ۱۲) حرانی (ابن شعبه)، حسن بن علی؛ (۱۳۶۳ ه. ش) تحف العقول، قم (ایران)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۳) خمینی، روح الله رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران؛ (۱۳۸۲ ه. ش) شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم (ایران)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ۱۴) دیلمی، احمد؛ (۱۳۸۹ ه. ش) «مبانی و نظام اخلاق»، سیری در سپهر اخلاق (کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنت اصفهان)، قم (ایران)، صحیفه خرد، ج ۱.
- ۱۵) ستوده نیا، محمدرضا، جانی پور، محمد؛ (بهار ۱۳۹۲)، «ساختار نظام مند مفاهیم و گزاره های اخلاقی در سوره اسراء»، فصل نامه علمی پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، فصلنامه، شماره ۱۹
(<http://www.maarefquran.org/files/pdf/21588.pdf>)
- ۱۶) سجادی، جعفر؛ (۱۳۷۳ ه. ش) فرهنگ معارف اسلامی، تهران (ایران)، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷) شهید اول، محمد بن مکی؛ (۱۴۲۲ ه. ق) أربع رسائل کلامیه، قم (ایران)، بوستان کتاب قم.
- ۱۸) شیروانی، علی؛ (۱۳۷۹ ه. ش) اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، قم (ایران)، دار الفکر
- ۱۹) صادقی، هادی؛ (۱۳۸۳ ه. ش) درآمدی بر کلام جدید، قم (ایران)، کتاب طه و نشر معارف.
- ۲۰) صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ (۱۹۸۱ م)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت (لبنان)، دار احیاء التراث.

- (۲۱) -----؛ (۱۳۶۰ ه. ش)، الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية، مشهد (ایران)، المركز الجامعي للنشر.
- (۲۲) -----؛ (۱۳۸۳ ه. ش) شرح أصول الكافي (صدرا)، تهران (ایران)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- (۲۳) صنعت جو، اعظم؛ (زمستان ۱۳۸۴) «ضرورت بازنگری در ساختار اصطلاحنامه»، فصلنامه کتاب (مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات)، فصلنامه، شماره ۶۴.
- (۲۴) علامه حلی؛ (۱۴۱۳ ه. ق) کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم (ایران)، مؤسسه النشر الإسلامی.
- (۲۵) غزالی (ابوحامد)، محمد بن محمد؛ (بی تا)، إحياء علوم الدين، (بی جا)، دار الكتاب العربي
- (۲۶) -----؛ (۱۴۰۹ ق) الأربعین فی اصول الدين، بیروت (لبنان)، دار الکتب العلمیة.
- (۲۷) فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ (۱۳۷۶ ه. ش) المحجة البيضاء فی تهذیب الإحياء، قم (ایران)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۲۸) لیثی واسطی، علی بن محمد؛ (۱۳۷۶ ه. ش) عیون الحکم و المواعظ، قم (ایران)، دار الحدیث.
- (۲۹) فیاض لاهیجی، عبدالرزاق؛ (۱۳۷۲ ه. ش) گوهر مراد، تهران (ایران)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۳۰) مازندرانی، محمد صالح بن احمد؛ (۱۳۸۲ ه. ق) شرح الکافی - الأصول و الروضة، تهران (ایران)، المكتبة الإسلامية.
- (۳۱) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ (۱۴۰۴ ه. ق) بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، بیروت (لبنان)، مؤسسه الوفاء.
- (۳۲) مصباح یزدی، محمد تقی؛ (۱۳۸۴) نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم (ایران)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (<http://mesbahyazdi.ir/node/4774>)
- (۳۳) مطهری، مرتضی؛ (۱۳۵۸ ه. ش) مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران (ایران)، انتشارات صدرا.
- (۳۴) مظاهری، حسین؛ (۱۳۸۳ ه. ش) کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شؤون حکمت عملی، تهران (ایران)، ذکر.
- (۳۵) مکارم شیرازی، ناصر؛ (۱۳۷۷ ه. ش) اخلاق در قرآن، قم (ایران)، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

- (۳۶) میرداماد، محمدباقر بن محمد؛ (۱۳۱۱ ه. ق)، الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة، قم (ایران)، دار الخلافة.
- (۳۷) نراقی، مهدی بن ابی ذر؛ (بی تا)، جامع السعادات، بیروت (لبنان)، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- (۳۸) نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد؛ (۱۴۱۳ ه. ق) اخلاق ناصری، تهران (ایران)، علمیه اسلامیة.
- (۳۹) هاشمی خویی، میرزا حبیب الله؛ (۱۴۰۰ ه. ق) منهج البراعة، تهران (ایران)، مكتبة الإسلامیة.

